

بحرالغرائب

(فرهنگ لغات فارسی به ترکی)

تألیف

قاضی لطف الله بن ابویوسف حلیمی
(متوفی ۹۲۲ یا مقتول ۹۰۰ ق.)

(نسخه برگردان بر اساس دستنویس کتابخانه مجلس سنای سابق، ش ۱۷۴)

به اهتمام

دکتر یوسف بیگ باباپور

سرشناسه	: علمی، لطفاً الله، قرن ۹ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: بحرالغرائب (فرهنگ لغات فارسی به ترکی)
مشخصات نشر	: تهران: منشور سمیر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۵ ص.
فروست	: نسخه برگردان، ۱۰.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹۰-۸۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیای مختصر
یادداشت	: فهرستنویسی کامل این اثر در شبانی: http://opac.nlai.ir
شناسه افزوده	: قابل دسترسی است
شماره کتابشناسی ملی	: بیگ بابایور، یوسف، ۱۳۵۷ -، گردآورنده ۲۸۵۲۱۹۱



انتشارات منشور سمیر

بحرالغرائب (فرهنگ لغات فارسی به ترکی)

تألیف: قاضی لطف الله بن ابویوسف حلیمی

(متوفی ۹۲۲ یا مقتول ۹۰۰ ق.)

(نسخه برگردان بر اساس دستنویس کتابخانه مجلس سنای سابق، ش ۱۷۴)

از مجموعه: نسخه برگردان / ۱۰

به اهتمام: دکتر یوسف بیگ بابایور

نوبت چاپ: اول - ۹۴

طراح و صفحه آرا: محمدمهدی شعبانی

شمارگان: ۵۰

بها: رنگی ۱۰۰۰۰۰۰ ریال / سیاه و سفید ۴۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۰۹۰-۸۱-۴

حق چاپ: ۱۳۹۴، انتشارات منشور سمیر www.manshoorsamir.ir تماس: ۰۹۳۶۱۷۷۷۱۱۹ - ۰۲۱-۶۵۵۲۶۹۵۷

همه حقوق محفوظ است. هرگونه تسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

یادداشت

یکی از بایسته‌های آموزش یک زبان، یا نشان دادن غنای ذاتی آن، تدوین فرهنگ یا واژه‌نامه‌ای است که واژگان آن زبان را با معادل‌های هر یک در زبان دیگری نشان می‌دهد. پیشینه ساختن چنین آثاری در تمدن اسلامی شاید به صدر اسلام برگردد. مسلمانان برای ترویج زبان دین اسلام در ممالک و میان اقوام دیگر ناچار بودند برای سهولت زبان قرآن، واژه‌نامه‌هایی دوسویه برای آن منظور ترتیب دهند.

از دیرباز همین روند در غنا بخشی واژگانی برای هر زبانی بایسته و درخور توجه بود. تا جایی که تقریباً در هر زبانی واژه‌نامه‌های دو یا چند سویه خلق شده تا به مقاصد مورد نظر دست یابند.

یکی از واژه‌نامه‌های مهم دوسویه فارسی - ترکی که در دیار عثمانی توسط یکی از علمی بنام آن سرزمین تدوین و تألیف شده، بحرالغرائب است که خوشبختانه نسخه‌ای مهم از آن و شاید به خط مؤلف، در ایران (کتابخانه مجلس شورای اسلامی - سنای سابق) موجود است. ذیلاً به معرفی این اثر گرانقدر و نسخ موجود از آن پرداخته می‌شود:

فرهنگ بحرالغرائب و مؤلف آن

بحرالغرائب فرهنگی است فارسی به ترکی، از لطف الله بن ابویوسف حلیمی، قاضی سیواس (متوفی ۹۲۲ یا مقتول ۹۰۰ ق). وی یکی از فرهنگ نویسان سده نهم هجری است که شاید در اوایل سده دهم نیز می‌زیسته و بنا به تصریح خود و دیگر منابع اصیل، «حلیمی» تخلص داشته، اما اسماعیل پاشا بغدادی در یک جا (بغدادی ۱، ج ۲، ستون ۴۹۴) او را «چلبی» خوانده که قطعاً تصحیف است. حسن بن حسین بن عماد قراحصاری، معاصر حلیمی و صاحب فرهنگ فارسی به ترکی شامل اللغة، که یکی از منابع خود را بحرالغرائب معرفی می‌کند، از وی با عنوان «مولانا» یاد کرده و او را قاضی سیواس خوانده است (قراحصاری، مقدمه)؛ و حاجی خلیفه (ج ۲، ستون ۱۲۴۶ و ۱۹۲۶) وی را «شیخ» می‌خواند. (ذاکرالحسینی، ص ۵-۶)

حلیمی، پیش از جلوس سلطان بایزید دوم، پادشاه عثمانی (حک ۸۸۶-۹۱۸ ق) معلم بوده و از جمله حکایات و دواوین فارسی را به وی می‌آموخته است. روزی، شاگرد از استاد می‌پرسد که چه زمانی همه اینها را فراخواهد گرفت و حلیمی، به

منظور تحقق آرزوی شاهزاده، این کتاب را فراهم می‌آورد و به وی اتحاف می‌کند. (دانشنامه، ج ۱، ص ۷۱۵)

حلیمی، عمر طولانی یافته و نزد پادشاهان عثمانی - ابوالفتح سلطان محمدخان فاتح (حک ۸۵۵ - ۸۸۶ق)، ابوالنصر سلطان بایزید دوم (حک ۸۸۶ - ۹۱۸ق) و سلطان سلیم خان یاوز (حک ۹۱۸ - ۹۲۶ق) عزت و اعتبار داشته است (ذاکر الحسینی، ص ۶)؛ و البته نباید وی را با حلیمی دیگری که در قاموس الاعلام یاد شده، از علما و شعرای قرن دهم هجری و اهل قسطنطنیه، که به احتمال حلیمی شروانی است (سامی، ج ۳، ص ۱۹۷۸؛ نفیسی، ج ۲، ص ۶۹۷)، و مرحوم تربیت (ص ۱۲۳) سروده‌هایی از او را نقل کرده، اشتباه کرد. گویا در دائره‌المعارف افغانستان (ج ۵، ص ۴۲۸۰) بین این دو خلط مطلب شده است.

از میان فرهنگ‌های حلیمی بحرالغرائب وی از همه معروفتر است. این فرهنگ، که به شیوة نصاب الصبیان ابونصر فراهی به نظم سروده شده و به همین سبب نصاب حلیمی خوانده می‌شود، قریب ۲۲۰۰ بیت دارد و برخی ابیات ترکی و عربی نیز در ضمن آن آمده است. تاریخ تألیف کتاب در جایی ثبت نشده، اما از آنجا که حلیمی در مقدمه نثارالملک (تألیف ۸۷۲ق) از این کتاب یاد کرده است، معلوم می‌شود که بحرالغرائب را پیش از این تاریخ، یا در همان سال، به پایان رسانیده است.

بحرالغرائب در یک مقدمه و یک فصل و دو قسم تنظیم گردیده و مندرجات آن به این شرح است:

مقدمه‌ای به بحر رمل مسدّس محذوف (مقصور)، در حمد خدای و نعت پیامبر اکرم (ص) و خاندان نبوت؛ سپس ابیات فارسی در وجوب کسب علم، ضرورت علم لغت، املحیّت زبان فارسی نسبت به عربی، تتبع مؤلف به منظور تألیف این کتاب، انگیزه تألیف، فواید کتاب، تسمیه، ترتیب ابواب، روش کار مؤلف، رموز و نشانه‌هایی که مؤلف در این کتاب از آنها استفاده کرده و استعانت از حق تعالی.

قسم اوّل: در اسامی، شامل چندین قطعه مستقل در قالبهای گوناگون و اغلب در قالب قصیده، در بحرهای گوناگون عروضی، در ذکر اسامی مفردة فارسی و معادل ترکی آنها.

فصل: در برخی اصطلاحات و قوانینی که مؤلف آنها را مهمتر یافته، شامل اسامی ماههای رومی، اسامی ماههای فرس، عدد مسترقه، نامها و روزهای ماه فرس، نام سیارگان، نام برجها، بیان رئوس خورشید به برجهای فلکی، اصل و قاعده اعیاد، بیان ضابطه غره، تجنیس تناسب دو پیکر، بیان صنعت تشبیه و انواع آن، ذکر مجازها، تعمیم، ضرب اعدادی که تضعیف مقابل باشد.

قسم دوم: شامل چندین قطعه مستقل در قالبها و بحرهای عروضی گوناگون، در مصادر، اصول اشتقاقات از مصادر، صیغه‌های مصدر، اسم زمان، اسم مکان و مناط فعل. (ذاکر الحسینی، ص ۹-۱۰؛ دانشنامه، ج ۱، ص ۷۱۵-۷۱۶؛ حلیمی، بحر الغرائب، نسخه مجلس، ش ۱۷۴)

حلیمی مدّعی شده که هر کس این کتاب را یاد گیرد، در آموختن زبان دری هرگز مشکلی نخواهد داشت: «هر که این را یاد گیرد در دلش / در دری هرگز نماند مشکلی» و حتی برای دانستن عربی و علم طب نیز سودمند است:

و آن که بر طب اهتمامی داشتست بخت او از تخت این افراشتست

زان که اندر ادویه تفسیر این آنچه بر وی شد طبیبان را یقین

(حلیمی، همان منبع)

مؤلف، الفاظ پارسی را بی هیچ نظم خاصی به دنبال هم آورده و پس از هر لفظ و گاه پس از دو یا چند لفظ مترادف فارسی، معادل ترکی آن را ذکر کرده است. وی خواسته آموزشهای خود را با بیانی ساده عرضه دارد تا یادگیری آن برای مبتدیان دشوار نباشد و تصریح کرده که در هیچ جای کتاب لفّ و نشر به کار نبرده و هیچ مصرّعی و مقوف المعانی نیست و تفسیر لغات را چنان نیاورده که در میان عبارات گم شود. مؤلف پیش از هر قطعه نام بحر و فروع آن را ذکر و در پایان قطعه وزن آن را، به کمک افاعیل عروضی بیان کرده و رموزها و نشانه‌هایی به کار برده تا از لغزش خواننده پیشگیری کرده باشد.

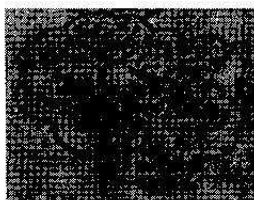
در برخی مواضع، به ویژه در قسم اول، در کنار لغات، شواهد منظوم فارسی از اشعار شعرای نامی آمده که مؤلف خود آنها را نقل کرده است. وی در مقدمه کتاب آورده که برای تدوین این اثر به تحقیق و تتبع در دواوین و کتب پرداخته و در این راه مغز را از پوست جدا کرده و معانی حقیقی و مجازی را از یکدیگر بازداشته است. وی با وجود آن که صریحاً به مآخذ خود اشاره نکرده، اما می‌توان ردّ پای

فرهنگهای پیش از وی، همچون لغت فرس، صحاح الفرس، فرهنگ قطران، معیار جمالی و غیره را در آن به خوبی مشاهده کرد (رک: ذاکرالحسینی، ص ۱۱-۱۲)؛ اما فرهنگ وی، از مآخذ اصلی فرهنگهای بعدی، از جمله شامل اللغة قراحصاری و لسان العجم شعوری (دبیرسیاقی، ص ۲۸۵) شد.

نظم بحر الفرائب خام و سست و وزن و قافیه برخی ابیات آن مغایر موازین عروض و علم قافیه است و مصادر جعلی و ساختهای نادرست فعل در آن بسیار است. مؤلف، الفاظ فارسی را بی هیچ ترتیب خاصی به دنبال هم آورده و پس از هر لفظ، و گاه پس از دو یا چند لفظ مترادف فارسی، معادل ترکی آن را ذکر کرده است. (ذاکرالحسینی، ص ۱۲)

نسخ موجود از بحر الفرائب

چندین نسخه خطی در کتابخانه‌های معتبر جهان وجود دارد که نام بحر الفرائب بر خود دارد، اما از آن میان تنها نسخه کتابخانه مجلس سنای سابق (ش ۱۷۴) را می‌توان نصاب حلیمی دانست که به احتمال زیاد، منحصر به فرد و دست‌نویس مؤلف است.



به احتمال زیاد، مابقی نسخ معرفی شده بدین عنوان، شروح بحرالغرائب هستند که فهرست‌نویسان میان این دو، خلط کرده‌اند.

شروح بحرالغرائب

مؤلف، به اشاره بایزید، بحرالغرائب را به منظور استفاده کسانی که حفظ کردن کتاب برای آنها دشوار بوده، از کسوت نظم بیرون آورده و لغات فارسی قسم اول آن را به ترتیب دقیق الفبایی منظم کرده است. در ذیل هر لغت، معنی آن را به ترکی نقل کرده و دیباچه‌ای کوتاه به نثر فارسی بر آن مصدر کرده و پیش از آغاز لغات مربوط به هر حرف، فصلی به نثر فارسی درباره آن حرف پرداخته و قسم دوم را نیز به نثر فارسی در آورده است. وی این کتاب را هم به بایزید دوم تقدیم کرده و آن را *نِثَارُ الْمَلِكِ* (و به قول حاجی خلیفه، «*نِثَارُ الْمُلُوكِ*»: ج ۲، ستون ۱۹۲۶؛ و به تبع او، دیگران، که خطاست) نام داده که به حساب جُمْل، تاریخ تألیف آن (= ۸۷۲) را نشان می‌دهد. (رک: دهخدا، مقدمه، ص ۳۲۶؛ ذاکر الحسینی، ص ۱۴-۱۷)

مؤلف، شرحی نیز بر کتاب خود نوشته که به فرهنگ حلیمی (لغت حلیمی) یا قائمه (به قول قراحصاری: *قاسمیه*) مشهور است و کمی مفصل تر از *نِثَارُ الْمَلِكِ* و در دو دفتر: الف) لغت فارسی به ترکی، ب) عروض و قافیه و بدیع (رک: دهخدا، همانجا؛ آقابزرگ تهرانی، ج ۱۷، ص ۱؛ حاجی خلیفه، همانجا؛ ذاکر الحسینی، ص ۱۸-۲۶) می‌باشد. از مقایسه برخی نسخ خطی موجود از آن، چنین برمی‌آید که حلیمی بار دیگر در این شرح تجدید نظر کرده و این کتاب را که عاری از شواهد بوده، با

شواهد منظوم فارسی و ذکر نام گویندگان همراه کرده و بعضی لغات از قلم افتاده را بدان افزوده است. این شواهد غالباً از سرایندگانی چون فردوسی، فرّخی، اسدی، انوری، سعدی، حافظ، کمال خجندی، شمس فخری و لطیفی انتخاب شده است. (رک: دانشنامه، ج ۱، ص ۷۱۶)

آثار دیگر حلیمی

حلیمی غیر از کتب یاد شده، آثار دیگری نیز دارد:

مصرّحه الاسماء که فرهنگی است عربی به فارسی، به ترتیب الفبایی مبتنی بر حرف اوّل و دوم که فقط شامل اسامی صریح است (رک: ذاکرالحسینی، ص ۲۷-۲۹)

فرائض حلیمی (رک: حاجی خلیفه، همانجا؛ بغدادی ۲، ج ۱، ص ۸۴۰) و شرح فرائض (رک: همان منابع).

امید است انتشار فرهنگهایی از این دست، با توجه به کمبود منابع در خصوص ادبیات عثمانی در ایران گامهای مهمی در این زمینه برداشته شود.

والسلام علیکم

یوسف بیگ باباپور

تهران - زمستان ۱۳۹۳

منابع مقدمه

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه، بیروت، ۱۴۰۳ق
- بغدادی (۱)، اسماعیل پاشا، ایضاح المکنون (فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون)، بغداد، بی تا.
- بغدادی (۲)، اسماعیل پاشا، هدیه العارفین (اسماء المؤلفین و آثار المصنفین من کشف الظنون)، بیروت، ۱۴۰۲ق.
- تربیت، محمد علی، دانشمندان آذربایجان، تهران، ۱۳۱۴ش.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون، بیروت، ۱۹۸۲م.
- حلیمی، لطف الله، بحر الغرائب، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (سنا)، ش ۱۷۴.
- حلیمی، لطف الله، شرح بحر الغرائب، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۸۶۱.
- دانشنامه زیان و ادب فارسی (ج ۱)، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران، ۱۳۸۴ش.
- دائرة المعارف (ج ۵)، از انجمن دائره المعارف افغانستان، کابل، ۱۳۴۸ش.
- دیرسیاقی، محمد، فرهنگهای فارسی و فرهنگ گونه ها، تهران، ۱۳۷۷ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه (مقدمه)، دوره جدید، تهران، ۱۳۷۷ش.
- ذاکر الحسینی، محسن، حلیمی و فرهنگهایش، ضمیمه شماره ۱۸ نامه فرهنگستان، تهران، ۱۳۸۳ش.

سامی، شمس الدین، قاموس الاعلام (ج ۳)، استانبول، ۱۸۹۱ م.

قراحصاری، حسن بن حسین بن عماد، شامل اللغه، نسخه خطی مؤسسه لغتنامه

دهخدا، ش ۶۲/۱.

نقیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۴ ش.

www.ketab.ir